

دکتر روح انگیز کراچی*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۰

(صص ۴۶-۳۵)

نقش شاعر ملی هند ساروجینی نایدو در شکل‌گیری هویت زن در دوره‌ی معاصر

چکیده

ساروجینی نایدو شاعر و سیاستمدار هندی به سبب مبارزات استقلال‌طلبانه و اشعار میهنی‌اش، نقشی مؤثر در سرنوشت کشور و در کسب حقوق زنان داشت. به پاسداشت فعالیت‌های او، روز تولدش را در هند روز زن نامگذاری کردند. در این مقاله کوشش بر این است تا ضمن ارزیابی جایگاه و فعالیت‌های ادبی - سیاسی او، به طور گذرا، ادبیات زنانه‌ی هند نیز بررسی شود و به پرسش‌هایی چنین پاسخ داده شود که چرا در هند روز زن، روز تولد یک زن شاعر مبارز است؟ شرایط اجتماعی چگونه است که او نماد زنی آرمانی می‌شود؟ چه ضرورتی دست‌اندرکاران حکومتی را بر آن داشته که زنی هنرمند، روشنفکر، میهن‌پرست و آزادی‌خواه را الگوی زنان کشور قرار دهند؟

کلید واژه‌ها: ساروجینی نایدو، ادبیات زنان، ادبیات هند

*Email: Karachi@Ihcs.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۰

مقدمه

به منظور شناخت زنی که به عنوان الگوی زن هندی معرفی شده است، نخست باید جامعه و ادبیات آن کشور را بررسی کرد.

یکی از تمدن‌های کهن، تمدن هند است که پیشینه ی آن به ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. پژوهش‌های باستان‌شناسی در خاراپا (پنجاب) و موهنجودارو سند، پیشینه ی ساکنان این منطقه و تمدن و فرهنگ آن را تأیید می‌کند. (ویل دورانت، ۱۳۷۰: ۴۵۳/۱) نخستین اسناد و نوشته‌های کهن هند، متن‌های مقدسی از دوران ودایی به زبان سنسکریت است.



وداها (کتاب دانش) منبع تمام آگاهی درباره هند و کهن‌ترین جلوه‌گاه فرهنگ سرزمین هندوستان است که به گمان هندی‌ها، این مجموعه منظوم علم مقدس دوران کهن و آیین و فلسفه و اسطوره و جادو است. این کتاب مقدس شامل چندین بخش است؛ ریگ ودا

(سرودهای ستایش) سامه ودا (دانش آهنگ ها) یجور ودا (علم اوراد قربانی) اثروه ودا (اوراد سحر) و بخش های چهارگانه هر یک از وداها، منتره (سرودها) برهنهها (افسونها و نمازها) آرنیکهها (نصوص جنگلی) و اوپانیشادها (۸۰۰-۲۰۰ سال پیش از میلاد) که تأملات فلسفی درباره ی وداها و به عبارتی گفت و گوی پنهان فیلسوفان است. (همان: ۴۷۲/۱)

پژوهش های زبان شناسان، خویشاوندی زبان اوستا و سنسکریت ودایی و وحدت موضوع های حماسی و اشتراک مبانی دینی-عقیدتی را از مقایسه ی اوستا که کهن ترین اثر مکتوب قوم ایرانی با وداها که قدیمی ترین اسناد ادبیات دینی هند می باشد، مشخص کرده است. پژوهشگران، این سروده ها را تصویرگر جهان بینی آریائیان و جلوه گاه دو تمدن باستانی می دانند.

پس از آثار دینی - ادبی ودایی، دوره ای است که سوترا sutra (۵۰۰-۲۰۰ پیش از میلاد) نوشته شده. سوترا گفتارهای اخلاقی متناسب به بودا است که بعدها این واژه عمومیت پیدا کرد و به همه پندهای اخلاقی و دینی گفته شد. پس از آن کاماسوترا kama sutra درباره ی عشق شهوانی نوشته شد. این کتاب نوشته ی واتسایانا به زبان سنسکریت است که کهن ترین نسخه ی آن در قرن ۴ پیش از میلاد نوشته شده و متن کامل آن ۷ بخش دارد و موضوع آن رفتار جنسی است. پس از این دوره، دوران حماسی است که از ۴۰۰ سال پیش از میلاد تا ۴۰۰ میلادی ادامه داشت. در این دوره دو حماسه ی معروف هند «مهابهاراتا» Mahabharatha و «رامایانا» Ramayana نوشته شد. مهابهاراتا شامل ۱۸ کتاب و ۹۰ هزار قطعه است و حماسه ای مذهبی است که ارزش های اخلاقی جامعه قدیم هند و اندرزهای اخلاقی چون غلبه بر خشم، حسادت، رقابت و حرص را توصیه می کند. رامایانا نیز حماسه ای مذهبی است و موضوع آن «راما» مظهر رب النوع «ویشنو» و حوادثی است که بر «سیتا» همسرش و او می گذرد. پیام کتاب ارزش وفاداری، عشق، پارسایی و پیروزی خیر بر شر است. (همان: ۶۳۴/۱-۶۴۴).

پس از دوران حماسی و بعد از ۴۰۰ میلادی، ادبیات هند به دوران اشعار تغزلی، رمانس و نمایش گرایش پیدا کرد. مهم ترین شاعر و نمایشنامه نویس این دوره کالیداس بود. پس از

دوره شاکونتالای کالیداس، ادبیات هند به دوره ی فابل یا آموزش از طریق قصه و مثل می‌رسد.

کتاب پنچتترا panchatantra (پنج کتاب) که مجموعه‌ای از قصه‌ها و داستان‌ها و امثال هندی است، محصول این دوره است. قهرمانان این قصه‌ها خدایان، مردم و جانوران‌اند. تعلیمات اخلاقی و رعایت حقوق دیگران و وظائف انسان‌ها از زبان آن‌ها گفته می‌شود (همان: ۶۴۵/۱-۶۵۳). این کتاب که به زبان سنسکریت نوشته شده در زمان ساسانیان به پهلوی و بعدها به فارسی ترجمه شد و نام کلیله و دمنه گرفت.

ادبیات در سرزمین هند، پس از قرن ۵ هجری قمری/۱۰ میلادی و سلطه ی سلاطین غزنوی، ایبک، بلبن، خلجی، تغلق-لودی، مغول و گسترش زبان فارسی، به مدت ۸ قرن زبان فارسی زبان رسمی هند بود و آثار فراوانی از جمله دیوان‌های شعر، تاریخ، تذکره و کتاب‌های لغت در این دوره نوشته شد. غلبه ی بریتانیا بر هند، زبان فارسی را از رونق انداخت و زبان انگلیسی، به زبان رسمی هند تبدیل شد. زبان اردو نیز ساخته شد تا جانشینی برای زبان فارسی باشد. در دوران تسلط انگلیسی‌ها، شاعران و نویسندگان تحصیل کرده، با نوشتن به زبان انگلیسی گرایش خود را نسبت به این زبان نشان دادند و ساروجینی نایدو یکی از همین تحصیل کرده‌ها بود که به زبان انگلیسی اشعار خود را سرود.

بنابر سرشماری سال ۱۹۶۱ میلادی ۱۶۵۲ زبان و لهجه ی مختلف در هند متداول است (مصاحب: ذیل هند) و مشهورترین آن‌ها زبان سنسکریت، هندی، بنگالی، گجراتی، بیهار، سندی، کشمیری، مالایالام، اوریا، پنجابی، راجستانی، تامیل، تلگو، فارسی، اردو، انگلیسی و زبانها و گویش‌های محلی است و به هر یک از این زبان‌ها، آثار مکتوب ادبی نوشته شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد مطالعه تاریخی و با روش کتابخانه‌ای، به منظور بررسی و شناخت شعر زنان، جایگاه ی زنان شاعر و واکنش جامعه در نگهداری یا حذف آن‌ها انجام شد. بدون مطالعه ی گذشته‌شناسی به درک درستی از نقش شاعر و جایگاه تاریخی او نمی‌-

توان دست یافت. ضرورت اشاره به پیشینه ی ادبیات و موقعیت زنان شاعری که به رغم سنت ها و آیین های تحقیرکننده، سکوت را با شعرشان شکستند، احساس شد؛ بنابراین با مروری گذرا بر این موضوع، ارزش فعالیت های ساروجینی نایدو به عنوان زنی پیشرو در چند حوزه آشکارتر می شود.

طرح موضوع و پیشینه ی ادبیات زنان

به رغم جایگاه نه چندان شایسته زن در جامعه ی کهن هند، نگهداری و حفظ اشعار زنان و فعالیت ادبی آن ها ارزشمند تلقی می شده، از این روست که اشعار آن ها تاکنون باقی مانده است. نخستین زنی که سروده اش به صورت مکتوب موجود است بانویی به نام وک vac دختر رشی آمبرنا Rishi Ambhirna است که سروده ی او در ریگ ودا حکایت از زنی خلاق و توانمند دارد. او چنین سروده ی است:

I make the man/I love exceeding mighty/make him a sage/ a rishi/ a Brahman/I am the queen/the gatherer-up of treasures/most thoughtful/first of those who merit worship....

می آفرینم مرد/مردی که دوست دارم/نیرومند و مقتدر/بصیر و عاقل/چونان برهمن/من گردآورنده ی گنجینه هایم/گنج هایی شایسته ی تقدیس/به راستی مطلق/من شما را آگاهی می دهم/شما که می بینید، نادیده ها را/می شنوید، ناگفته ها را/حقیقت را می گویم/من نگاهدار هستی ام (رای ۱۹۵۸: ۱۸۲)

سروده های مذهبی زنان دیگری نیز در ریگ ودا آمده است چون سرود لوپامودرا Lopa mudra ، روماسا Romasas ، یامی yami ، ساویتری savitri ، ساچی sachi ، و راتری Ratri ، که زبان شعر آن ها سنسکریت ودایی بود. (همان: ۱۸۳)

سروده های مذهبی هوناما honnama یادگار دوران آیین جین jain است که آن را مهاویر mahavira بر پایه ی خویش داری بنا گذاشت. از دوره ی بودایی که احتمالاً ۵ یا ۶ سده پیش از میلاد بوده اشعار شاعری به نام سومدھا sumedha دختر کونچا koncha باقی مانده که بلندترین شعر این دوره است. اشعار او مبتنی بر اصول فلسفی و اخلاقی دین بوداست. (همان: ۱۸۳)

از دوران اسلامی، اشعار شاعرانی به یادگار مانده که بیشتر به طبقه ی درباری و سلاطین مسلمان هند تعلق داشتند. گلبدن بیگم دختر ظهیرالدین بابر (۹۰۹-۹۳۷ ق)، نورجهان، شاه جهان بیگم، نهانی اکبرآبادی، جهان‌آرا بیگم و زیب‌النسا و چندین شاعر دیگر که به فارسی شعر سروده‌اند. (بهاونانی ۱۹۸۵ : ۱۶۹)

تحولات سیاسی هند، شکست سلاطین مسلمان و سلطه ی استعمار بریتانیا در ۱۷۰۷ میلادی، هندوستان را به مستعمره‌ای مستقیم بدل کرد. همزمان با فشار بریتانیا برای رسمی کردن زبان انگلیسی، هندی‌ها بر نوشتن به زبان‌های ملی و منطقه‌ای و ادبیات ناحیه‌ای خود پافشاری کردند. در ادبیات مترقی بنگال، زن شاعری به نام رادهارانی دیوی Radharani Devi اشعار خلاقانه‌ای سرود که بیانگر احساسات واقعی زنانه و نشان‌دهنده ی تجربه‌های او از محیط پیرامونش بود. شعر او بیان رنج و اندوه زنانه است. در ادبیات تلگو telgu، سودامنی sudamini با تکیه بر سنت‌های اجتماعی، اشعاری محاوره‌ای سرود. اشعار زنانه ی پراوین رای راتوری Pravin Ray Raturi در ادبیات هندی، بیان موجودیت زن هندی است (رای ۱۹۸۵ : ۱۹۱). در ادبیات آسامی، جامونس واری ختینار Jamunes Khataniyar Wari راوی احساسات زنانه است. او می‌سراید:

In silence my hopes rise and sink/In silence I find my heart's delight/In
silence I walk through eternal night/ In silence I die and in silence am born .

در سکوت آرزوهای من طغیان می‌کند و فرو می‌پاشد/ در سکوت از تیرگی جاودان
می‌گذرم/ در سکوت شکست و پیروزی را به دوش می‌کشم/ در سکوت می‌میرم و در
سکوت زاده می‌شوم (همان ۱۹۰)

گرایش به ادبیات انگلیسی در هندوستان، سرزمین شگفت‌انگیز در آمیختگی تمدن‌ها به
خصوص در اواخر دوره ی سلطه ی استعمار انگلیس موجب شد تا برخی از هنرمندان، زبان
انگلیسی را برای بیان خود برگزینند و چنین بود که برجسته‌ترین شاعر معاصر هند،
ساروجینی نایدو Sarojini Naidu زبان انگلیسی را برگزید و چون مورد انتقاد وطن‌پرستان
هندی قرار گرفت، صادقانه سرود:

I am an Indian very brown/ born in Malabar/ I speak three languages/ write in two ,dream in one /Don't write in English,they said English is not your mother tongue . Why not leave me alone, critics,friends,visiting cousins,everyone of you / Why not let me speak in any language I like ?

من یک هندی سبزه رو هستم / درمالابار زاده شدم / به سه زبان سخن می گویم / به دو زبان می گویم / آله هدف من یکی است / با تحقیر می گویند / نویس به زبان بیگانه / بازم مدارید، آشنایان بیگانه / در قلب کوچکم / عشق به زبانی است / که بتوانم حرفم را بگویم. (سن گوپتا ۱۹۸۱: ۲۱)

یکی دیگر از شاعران اجتماعی تأثیرگذار در ادبیات هند، آمریتا پریتام Amrita Pritam است که به سبب مضامین جدید، ایماژها و تصاویر زنده در شعر پنجابی و در جامعه ی معاصر هند شاعری شناخته شده و بنام است. او چهار مجموعه ی شعر منتشر کرده است. شعر زنانه ای دارد به نام دختر:

من دختر زاده شدم / تا عروسک و جارو به دستم دهند / طراز پیرهن مردان زرکشم / غبار خانه برویم / برادرم در کوچه بازی می کند / برادرم با دو چرخه به کوچه ها می زند / من در کنج خانه می مانم / من دختر زاده شدم / در فصل پرسش و جست و جو / چرایم بی جواب می ماند و جست و جوهایم بی حاصل / برادرم در خم و پیچ کوچه ها / در بازی با خاک و سنگ / زندگی را تجربه می کند / تجربه من از دیوارها بر نمی گذرد / من کوچه را نمی شناسم / من دختر زاده شدم / تا در طلوع بلوغ / چشم وحشت زده ام / چون چشم آهو بی قرار / راز مرا فاش کند. (رای ۱۹۸۵: ۱۹۴)

با نگاهی گذرا بر ادبیات زنانه هند، می توان چگونگی تغییر و تحولات تاریخی، اجتماعی، اندیشگی را از اشعار زنانه دریافت و دید که چگونه شعر از عرفان عاشقانه ی استوار بر مذهب می گذرد و به طبیعت و سپس به اجتماع می پردازد تا انسان را در واقعیت جامعه ای که هست تصویر کند.

بررسی یافته‌ها

ساروجینی نایدو که بود؟ ساروجینی چاتوپادیا در روز ۱۳ فوریه سال ۱۸۷۹ میلادی در خانواده‌ای بنگالی که در حیدرآباد زندگی می‌کردند، به دنیا آمد. او مبارزه را از برادرش آموخت که وطن‌پرستی انقلابی بود و سال‌های زیادی از عمرش را در تبعید گذرانده بود و در ۱۹۴۲ در تبعید درگذشت. ساروجینی در محیطی که آمیزه‌ای از فرهنگ و رسوم مسلمانان و هندوان بود تربیت شد. در ۱۳ سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در ۱۶ سالگی نخستین مجموعه ی اشعار رمانتیک و عاشقانه‌اش را به نام «اشعاری توسط چاتوپادیا» به چاپ رساند. در ۱۵ سالگی دیوانه‌وار عاشق دکتر نایدو شد. خانواده‌اش که با ازدواج او موافق نبودند، دختر را برای تحصیل و به قصد فراموش کردن این عشق به انگلستان فرستادند. زمانی که ۱۹ ساله بود بدون اخذ مدرک اما با تجربیاتی تازه در راه شعر و شناخت تفاوت فرهنگی هند و بریتانیا و درک جامعه‌ای دیگر به وطن بازگشت و در همان سال با دکتر نایدو ازدواج کرد. آشنایی او با منتقدان انگلیسی چون ادmond gosse و آرتور سیمون Arthor Symons در لندن سبب شد تا او بتواند از عاشقانه‌های رمانتیک دست بردارد و به واقعیت‌های جامعه ی هند و فرهنگ کشورش بپردازد.

دومین مجموعه ی اشعار او به نام «آستانه ی طلایی» در ۱۹۰۵م و سومین مجموعه ی اشعارش «پرنده زمان» در ۱۹۱۲، چهارمین به نام «بال‌های شکسته» در ۱۹۱۷م و پنجمین مجموعه ی اشعار شاعر پس از مرگ به وسیله ی دخترش به چاپ رسید. سیر تکامل اندیشه ی او در این مجموعه‌های شعر از عشق به اجتماع و اهداف استقلال‌طلبانه و میهن‌پرستی او کاملاً مشخص است. مهاتما گاندی، زمانی لقب بلبل هند را به او داد. (راما چاندرا نیر، ۱۹۸۳: ۱)

ساروجینی به طور همزمان دارای چند نقش بود. همسر، مادر، شاعر و مبارز. او در مقابل این نقش‌های چندگانه‌اش تعهد و انرژی فوق‌العاده‌ای داشت و همین احساس تعهد به او توانایی می‌داد تا بتواند آن‌ها را هماهنگ کند و به احساس رضایت و موفقیت دست یابد.

ساروجینی نایدو فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی خود را از سال ۱۹۰۳ م با سخنرانی درباره ی اتحاد و برابری آغاز کرد. در سال ۱۹۰۴ و در هجدهمین جلسه ی کنگره ی ملی

در بمبئی درباره ی حقوق زنان سخنرانی و انجمن زنان هند را پایه‌گذاری کرد. در سال ۱۹۲۶ شورای ملی زنان سراسر هند را بنیان گذاشت. او از هر فرصتی برای آزادی زنان، اتحاد مردم و استقلال و آزادی کشورش استفاده می‌کرد. هنگامی که ساروجینی نایدو پرچم مبارزه در راه آزادی و برابری زن را بر دوش گرفت، سنت‌های کهنه ی مذهب هندو، مقررات و فشارهای بی‌شماری را به نام دین بر زنان هند تحمیل می‌کرد. فعالیت‌های ساروجینی نایدو در ۱۹۳۵ م به بار نشست و اجازه ی شرکت در انتخابات عمومی سال ۱۹۳۶ میلادی به زنان داده شد. همزمان مبارزات استقلال‌طلبانه به رهبری پیشوایان ضداستعمار بریتانیا شدت گرفت و کسانی چون مهاتما گاندی، گوکله، پاتیل، نهرو، سن-گوپتا و میرابایی توقیف شدند و مدت‌ها در زندان به سر بردند. ساروجینی نایدو در غیاب رهبران نهضت آزادی هند از سوی کنگره ی ملی به سراسر هند مسافرت می‌کرد و پیام گاندی مبنی بر عدم اطاعت و همکاری با دولت بریتانیا، اتحاد و دوری از خشونت، تحریم اجناس خارجی و وحدت تمامی طبقات را با ایراد سخنرانی به مردم رساند. ساروجینی از سال ۱۹۲۵ م که به پیشنهاد مهاتما گاندی، ریاست کنگره ی ملی را برعهده گرفته بود، با تمام توان کوشید تا بین مردم هند در مقابل دشمن خارجی اتحاد ایجاد کند. او معتقد بود آزادی هند در گرو اتحاد کنگره ی ملی و مسلم لیگ است. تظاهرات شدت می‌گرفت و رهبران کنگره ی ملی، گاندی، نایدو و حتی همسر مهاتما گاندی، کاستروبا و بسیاری دیگر توسط پلیس بازداشت شدند. کاستروبا در زندان درگذشت و مهاتما گاندی به سبب بیماری از زندان آزاد شد و ساروجینی مدت ۲۱ ماه زندانی بود. هنگام اعلان جنگ جهانی دوم، هندوستان به شرطی آماده ی شرکت در جنگ شد که کشوری آزاد باشد. اما بریتانیا موافقت نکرد و هند را مجبور به شرکت در جنگ کرد. پس از پایان جنگ، هندوستان با مبارزات چندین ساله ی رهبران و پیشروان نهضت آزادی، استقلال خود را بازیافت؛ اما هرگز کنگره ی ملی و مسلم لیگ متحد نشدند و کشوری برای سکونت مسلمانان به نام پاکستان تأسیس شد. ساروجینی در اوت سال ۱۹۴۷ اولین زنی بود که به عنوان فرماندار استان اوتارپرادش انتخاب شد. (سن گوپتا، ۱۹۶۶: ۳۱۳)

با فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ساروجینی نایدو مبارزه برای حق برابری با مردان، حق رأی، اجازه ی تحصیل به دختران و ... به بار نشست و زنان از نظر حقوقی به خواسته‌های خود رسیدند تا بتوانند با همکاری مردان، یکی از بزرگترین دموکراسی‌های جهان را ایجاد کنند. ساروجینی در راه تعلیم و تربیت زنان تلاش بسیار کرد. او به عنوان زنی شاعر و آغازگر شعر اجتماعی، شعر زنانه ی هند را متحول کرد و از آن پس زنان شاعر به سرودن شعر اجتماعی پرداختند و راوی واقعیت‌های پیرامون خود به زبانی شاعرانه شدند. او در دوم مارس ۱۹۴۹م در ۷۰ سالگی در شهر لکهنو درگذشت (سن گوپتا، ۱۹۸۱: ۷۱). سال‌ها پس از مرگش، برای بزرگداشت مقام این شاعر مبارز، روز زن را روز تولد ساروجینی نایدو یعنی ۱۳ ماه فوریه قرار دادند.

نتیجه

ساروجینی نایدو، شاعر و مبارزی که با توجه به جامعه ی سنتی هندوستان و وجود سنت‌های غیرانسانی چون نظام کاستی یا طبقاتی هند و رسم ساتی یا سوزاندن زنان بیوه به همراه همسرانشان، با اهداف مترقیانه و تلاش‌های بی‌وقفه توانست پیش‌تر از اغلب کشورهای آسیایی، در زمینه ی برابری حقوق زن و مرد موفقیت‌های بسیاری را نصیب زنان هند کند و این احقاق حق در کشوری با سنت‌های بدوی و خرافی کار آسانی نبود. از این روست که روشنفکران و رهبران فکری او را نماد زنی آرمانی و الگویی ایده‌آل در جامعه ی کنونی هند می‌دانند. در واقع هویت کنونی زن هندی، وامدار تلاش و از خود گذشتگی‌های این زن بزرگ شاعر و فعال سیاسی است .

منابع

- ۱- دورانت، ویل (۱۳۷۰) **تاریخ تمدن**. ترجمه احمد آرام، پاشایی، آریان پور، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب.
- ۲- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳) **دایرةالمعارف فارسی**، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.

3- Bhattacharya, Pr.K (1949). "Sarojini Naidu, the greatest woman of our time". Modern Review. April 1949. p.4.

4-Bhavnani, Enakshi.(1985)."Creative and fine arts". Women of India., Delhi: National Council of India, Publication Division.

5-Cousins, Margaret (1922). The awakening of Asian womanhood, Madras: Ganesh & Co.

6-MacNicol, Margaret (1923). The heritage of India, poems by Indian women. Calcutta: Association Press (Y.M.C.A)

7-Nair, Ramachandran (1983). "The nightingale of India". Akashvani, 1983, 5-11 june, p.1.

8-Ray, lila.(1958).|"women writers ".Women of India, Delhi: National Council of India, Publication Division.p.181-196.

9-Sengupta, Padmini (1966). Sarojini Naidu. Bombay: Asia Publishing house.

10-Sengupta, Padmini (1981). *Maker of Indian literature, Sarojini Naidu*. New Delhi: Sahitya Akademi.

11-Tara Ali Baig (1958). *Women of India*, Delhi: National Council of India, Publication Division.